



Reflection of Iranian Celebrations in the Poetry of Azerbaijani School Poets

Leili Kamalvand¹, Manouchehr Joukar^{2*}, Asad Abshirini³

Abstract

Various celebrations have been held in Iran since ancient times; Among them are the celebrations that were held in each month, on the occasion of the symmetry of the name of the day with the name of the month, and each of them was accompanied by special customs. Many of these celebrations are forgotten today and are no longer held, but their traces and reflections can be found in the works of the past and classical poets; Among the poets of the Azerbaijani school. Accordingly, this study reflects the Iranian celebration and related rituals in the poetry of the poets of the Azerbaijani school (with emphasis on Mujir al-Din Bilqani, Nezami, Khaghani and Falak Shervani). According to the findings of this study, among the ancient Iranian celebrations, only four ancient celebrations of Nowruz, Mehregan, Sedeh and Yalda are reflected in the poems of Azerbaijani poets and other ancient celebrations such as: Abangan, Bahmangan, Esfandgan, Tirgan and ... have not been reflected in the poems of these poets. Among these four celebrations, Nowruz celebration had the most reflection in the poems of Azerbaijani school poets and Century celebration had the least reflection among their poems. In total, Nowruz celebration has been repeated 71 times in the poems of these poets and only five times the celebration of the century has been mentioned. The reason for this is the great importance of Nowruz as the most important national holiday among Iranians. This research is a theoretical and library research.

Keywords: Mehrgan, Sadeh, Yalda, Nowruz, Azerbaijani School Poets

How to Cite: Kamalvand L, Joukar M, Abshirini A., Reflection of Iranian Celebrations in the Poetry of Azerbaijani School Poets, Journal of Comparative Literature Studies, 2023;17(67):321-340.

1. PhD student of Persian language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بازتاب جشن های ایرانی در شعر شاعران مکتب آذربایجانی

لیلی کمالوند^۱، منوچهر جوکار^{۲*}، اسد آبشیرینی^۳

چکیده

در ایران از کهن ترین زمان، جشن های گوناگونی برپا می شده است؛ امروزه بسیاری از این جشن ها فراموش شده اند و دیگر برگزار نمی شوند، اما می شود ردپا و بازتاب آن ها را در آثار گذشتگان و شاعران کلاسیک پیدا کرد؛ از جمله شاعران مکتب آذربایجانی. بر همین اساس این پژوهش به بازتاب جشن های ایرانی و آیین های مربوط به آن در شعر شاعران مکتب آذربایجانی (با تاکید بر مجیرالدین بیلقانی، نظامی، خاقانی و فلکی شروانی) پرداخته است. بر اساس یافته های این پژوهش، از میان جشن های باستانی ایرانیان فقط چهار جشن باستانی نوروز، مهرگان، سده و یلدا، در اشعار شاعران مکتب آذربایجانی بازتاب پیدا کرده اند. از میان این چهار جشن نیز جشن نوروز بیشترین بازتاب را در اشعار شاعران مکتب آذربایجان داشته است و جشن سده نیز کمترین بازتاب را در میان اشعار آن ها داشته است. این پژوهش، از نوع پژوهش های نظری و کتابخانه ای است و ابزار گردآوری اطلاعات آن نیز، از طریق فیش برداری است.

واژگان کلیدی: مهرگان، سده، یلدا، نوروز، شعر، شاعران مکتب آذربایجانی

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

ایمیل: M.joukar@scu.ac.ir

نویسنده مسئول: منوچهر جوکار

مقدمه و بیان مسئله

جشن‌ها، آیین‌هایی اجتماعی فرهنگی و در زمره آداب و مناسک دینی و سنت‌های قومی هستند که از قدیم‌الایام در بین تمام قوم‌ها و ملت‌ها برگزار می‌شده‌اند. در ایران باستان جشن‌های گوناگونی در اشکال، اهداف و زمان‌های مختلف برگزار می‌شده است که سرشار از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و آیینی بوده‌اند. برخی از این جشن‌ها همراه با اسطوره‌های پیدایششان، برجای مانده‌اند که ضمن برخورداری از خصلت‌های دینی ایرانیان باستان، همواره سبب تقویت همبستگی و اتحاد مردم می‌شدند.

این جشن‌ها کارکرد به هم نزدیک کردن افراد، به حرکت در آوردن توده‌های مردم و برانگیختن حالتی از جوش و خروش در بین مردم داشته‌اند. مردم از طریق آیین‌های این جشن‌ها از حالت رخوت و روزمرگی خارج می‌شدند و دل‌مشغولی‌ها و گرفتاری‌های عادی‌اش را فراموش می‌کردند.

در ایران باستان، برخی جشن‌ها از عمومیت و اهمیت زیادی برخوردار بودند؛ مانند: جشن نوروز، جشن یلدا، جشن فروردینگان، جشن تیرگان، جشن مهرگان، جشن سده و جشن اسفندگان.

جشن‌ها در دل خود، مناسک و آیین‌های مختلفی را جای داده‌اند یا با هم تلفیق شده‌اند، به همین دلیل، سبب پیوندهای آشکار و پنهان در بین افراد جامعه می‌شوند که خود به نوعی وحدت‌آفرین به شمار می‌آیند و کارکردی اجتماعی دارند. این جشن‌ها در تمام دوره‌ها برگزار می‌شدند و بازتاب داشته‌اند. بازتاب این جشن‌ها را می‌توان در تمامی دوره‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار داد؛ از جمله در شعر شاعران کلاسیک فارسی. در این پژوهش به سئوالات زیر پرداخته می‌شود؟

- جشن‌های ایرانی چه بازتابی در شعر شاعران مکتب آذربایجانی داشته‌اند؟

- کدام جشن‌ها بیشترین بازتاب و کدام جشن‌ها کمترین بازتاب را در شعر شاعران مکتب

آذربایجانی داشته‌اند؟

- دلایل بازتاب جشن‌های ایرانی در شعر شاعران مکتب آذربایجانی چیست؟

بیان مساله

فلسفه‌ی برقراری و برگزاری جشن‌های گوناگون ایرانی ایجاد شادی و خنده و تحرک و عشق به زندگی و بزرگداشت خرمی و شادکامی و برقراری همبستگی و همیاری و مهرورزی همگانی و گسترش آن در جامعه بوده است. خرمی و شادکامی و عشق به زندگی جزو آداب و

مراسم دینی ایرانیان بوده و از موهبت های بزرگ خدایی به شمار می آمده و گرامیداشت آن بر همگان واجب بوده است.

ایرانیان باستان بر این باور بودند که پیامبرشان زرتشت، خندان زاده شده است. آن ها معتقد بودند که جشن و خنده و شادی، آفریده ی خدا و غم و اندوه و گریه، زاده ی اهریمن است. بر اساس اعتقادات ایرانیان باستان «اهورا مزدا، سرور دانا، خدای غایی، خیر مطلق، خرد و معرفت، آفریننده خورشید، ستارگان، روشنایی و تاریکی، انسان ها و حیوانات، و تمامی فعالیت های فکری و جسمی است. او مخالف همه بدی ها و رنج ها است. در مقابل او، انگره مینو (اهریمن) قرار دارد که روح شر است، و همواره سعی می کند دنیا و حقیقت را ویران کند و به انسان ها و حیوانات آسیب بزند. به موجب تعالیم زردشت، اهورامزدا، تجسم خیر مطلق است.» (کرتیس، ۱۳۹۲: ۹)

ایرانیان باستان، گریه و زاری را که از پدیده های اهریمنی بوده حتی در سوگ عزیزانشان گناهی بزرگ می شمردند و شادی و خرمی را بنا بر آیین خود ثواب به شمار می آوردند و به هر بهانه ای و در هر فرصتی جشنی برپا می کردند و به شادی و پایکوبی می پرداختند و چون دامدار و کشاورز بوده اند خواه ناخواه شاد و خرم و پرتکاپو روزگار می گذرانیدند و با غم و اندوه و کاهلی بیگانه بودند و می دانستند که شادی غذای جان است همچنان که طعام غذای تن است.

آنها به مرور دریافته بودند که همه چیز در طبیعت شاد و خندان است. گل ها خندان، جنگل ها خندان، دریاها و نهرها خندان، آسمان و ستارگان و پرندگان همه خندانند و انسان هم طبیعتا شاد و خندان است و ترشروی و غم و اندوه عارضه ای است که خارج از طبیعت آدمی است و بر اثر آز و خودخواهی و آموزه های نادرست دامنگیرش می شود و او را خارج از سازه های موزون طبیعت می سازد.

این جشن ها هر ساله در ایرانیان باستان و پس از آن با تغییراتی در دوران اسلامی برگزار می شدند. در شعر شاعران ایرانی نیز نام این جشن ها و رسوم و آیین های برگزاری آن ها به کرات ذکر شده است. بر این اساس این تحقیق قصد دارد به بازتاب این جشن های ایرانی و آیین های مربوط به آن در شعر شاعران مکتب آذربایجانی بپردازد. این چهار شاعر عبارتند از: نظامی گنجوی، خاقانی، فلکی شروانی و مجیرالدین بیلقانی.

پیشینه تحقیق

احمد پور و صراطی (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «آیین جشن و سرور در اسکندرنامه نظامی» به این نتیجه رسیده اند که: «در اسکندرنامه، صورت مجسمی از جشن و شادی نیست.

نظامی تنها در مواردی نادر به طور اجمالی و کوتاه در اقبالنامه به مواردی از جشن و شادی اشاره دارد. «(احمدپور و صراطی، ۱۳۹۷: ۱۹)

صفاری (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «تجلی اعیاد اسلامی و جشن های ایرانی در غزلیات حافظ شیرازی» به این نتیجه رسیده است که: «حافظ شیرازی به سان دیگر شاعران پیش از خود و هم عصر خود به اعیاد و جشن ها به عنوان مهمترین ارکان فرهنگی و آیینی سرزمین خود توجه داشته و در کلام خود از آن ها یاد کرده است.» (صفاری، ۱۳۹۵: ۶۱)

بهار (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «اهمیت اسطوره کشف آتش و جشن سده در شاهنامه» به این نتیجه رسیده است که: «هیچ ملتی مانند ملت اصیل و کهن سال ما در حافظه ی جمعی تاریخی خود، کشف آتش را به همان تازگی یک میلیون سال پیش حفظ نکرده است.» (بهار، ۱۳۹۸: ۳۰)

رحیمی ششده و فرهمند (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «بررسی تطبیقی جشن مهرگان با جشن ترکی بیربیری گرلک» به این نتیجه رسیده اند که: «جشن مهرگان که در میان اهالی روستای قصر یعقوب، با نام جشن بیربیری گرلک به بقای خود ادامه داده است؛ بیانگر این نکته می باشد که مردم روستای قصر یعقوب صفاشهر هیچ وقت آداب زیبا و کهن اجداد خود را فراموش نکرده اند.» (رحیمی ششده و فرهمند، ۱۳۹۹: ۲۶۴)

بلوکباشی (۱۳۸۹) در کتاب «نوروز؛ جشن نوزایی آفرینش» به طور مفصل به تاریخچه جشن نوروز و آیین ها و رسوم مربوط به آن در ایران پرداخته است.

مکتب آذربایجانی

در مطالعات مربوط به سبک شعر قرن ششم و در آستانه تغییر اسلوب های شعری از خراسانی به عراقی، گونه ای از شعر فارسی در آذربایجان رواج یافت که مهم ترین ویژگی آن تغییرات عمده در مضامین تکراری قرن های چهارم و پنجم هجری، گرایش به سوی بیانی فخیم و متین توأم با بیانی غیر تکراری و گونه ای دشواری است که آن طرز را باید زمینه ساز تغییر سبک خراسانی به سبک عراقی دانست و آن را مکتب یا سبک آذربایجانی، نامیده اند. «سبک آذربایجانی، سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه اران و آذربایجان است. رئیس این حوزه ادبی ابوالعلاء گنجوی بود. شاعران معروف آن عبارتند از: مجیرالدین بلیقانی (۵۷۷)، فلکی شروانی (۵۸۷)، خاقانی (۵۹۵) و نظامی (۵۹۹)» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

اگر مهم ترین ویژگی شعر سبک عراقی گرایش به مضامین متعالی عارفانه باشد، شعر سبک آذربایجانی را نیز باید شعر متعالی از نوع حکیمانه در نظر گرفت که در بطن خویش، پرورش

دهنده مضامین زاهدانه، عرفانی و معنوی است. «شعر فارسی در سبک آذربایجانی کم کم از زمین دور می شود و به سمت آسمان حرکت می کند. مهم ترین تمایزی که در آذربایجان پدید می آید کنار رفتن مدح و حماسه از کانون شاعری و جانشینی دو ژانر عارفانه و عاشقانه است.» (شریفی، ۱۳۹۷: ۱۰۶)

سبک آذربایجانی که برای خود ویژگی های ممتازی غیر از سبک عراقی دارد، در حدود یک و نیم قرن در ادبیات فارسی رواج داشته است و در نهایت با ظهور شعرای توانمند عراق عجم و اصفهان و شیراز و تعدیل طرز دشوار بیان شعرای آذربایجان، تبدیل به شعری شد که در مطالعات سبک شناختی به سبک عراقی معروف است. «در بررسی مفاهیم، مضامین، موسیقی و صنایع لفظی و معنوی اشعار شاعران سبک آذربایجانی به این نتیجه می رسیم که شعر آنان دارای پاره ای از خصایص مشترک می باشد که علاوه بر ایجاد سبکی مستقل، تاثیر شایانی در ظهور شاعران بلند آوازه چون حافظ و سعدی در اعصار بعد شده است.» (مطلبی، ۱۳۹۳: ۲۵۳)

یکی دیگر از ویژگی های فکری شاعران مکتب آذربایجانی، وطن دوستی آنان است. «یکی دیگر از ممیزات فکری شعر این مکتب ایران دوستی و توجه به معارف ایران باستان است چنان که خاقانی در قصیده ایوان مدائن از مجد و عظمت گذشته ایران یاد کرده و نظامی متهم به طرفداری از آیین گبران و مجوسان بوده است.» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۴۳)

بحث و بررسی

بازتاب جشن نوروز در اشعار شاعران مکتب آذربایجانی

نوروز برابر با یکم فروردین ماه، جشن آغاز سال و یکی از کهن ترین جشن های به جا مانده از دوران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و هنوز مردم مناطق مختلف فلات ایران، نوروز را جشن می گیرند. امروزه زمان برگزاری نوروز، در آغاز فصل بهار است. در افسانه های ایرانی، جشن نوروز یادگار جمشید، پادشاه اسطوره ای ایرانیان است. بر اساس این افسانه ها «جمشید تختی ساخت گوهرنشان که هر زمان اراده می کرد دیوی آن را بر می داشت، از هامون به گردون می افراشت و جمشید چون خورشید تابان در آسمان به جلوه در می آمد، جهانیان چون آن تخت را در آسمان دیدند، در شگفت شدند، بر او گوهر افشاندند و تن از رنج آسوده کردند. آن روز به روز هرمزد (=اولین روز ماه) از ماه فروردین قرین بود. آن روز را نوروز خواندند و چنین جشن فرخ از آن روزگاران به یادگار بماند.» (آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۱۵)

بازتاب جشن نوروز در اشعار نظامی گنجوی

حکیم جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی گنجوی از استادان بزرگ سخن و از ارکان شعر فارسی است. او در سال ۵۲۸ هجری قمری در شهر گنجه به دنیا آمد اما پژوهشگران در سال دقیق وفات او اختلاف نظر دارند. «اگر چه پژوهشگران همه بر این باورند که نظامی، نزدیک به سال ۵۲۸ در گنجه آذربایجان، در جنوب قفقاز، چشم به جهان گشود و گویا تا پایان عمر همانجا زیست.» (بری، ۱۳۸۵: ۲۷)

نظامی از شاعران بزرگ و صاحب سبک ادبیات کلاسیک ایران است و آثار او جزو شاهکارهای ادبیات ایران هستند. جشن نوروز بازتاب فراوانی در اشعار نظامی گنجوی دارد. نظامی در چهار منظومه ی خسرو و شیرین، شرفنامه، لیلی و مجنون و هفت پیکر، روی هم ۲۰ بار به جشن نوروز و آیین های مربوط به آن اشاره کرده است؛ ولی در منظومه مخزن الاسرار او هیچ اشاره ای به جشن نوروز و دیگر جشن های ایرانی نشده است.

بازتاب جشن نوروز در خسرو و شیرین نظامی

منظومه خسرو و شیرین، پس از مخزن الاسرار، دومین منظومه از پنج گنج نظامی گنجوی است. نظامی این منظومه را در سال ۵۷۶ هجری قمری سروده است. این منظومه درباره عشقبازی خسرو پرویز با شیرین، شاهزاده ی ارمنی است و نظامی آن را به /تابک شمس الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز تقدیم کرده است. «داستان عشقبازی های خسرو و شیرین از جمله داستان های اواخر عهد ساسانی است که در کتاب هایی از قبیل المحاسن و الاضداد جاحظ بصری، غرر اخبار ملوک الفرس ثعالبی و شاهنامه فردوسی آمده است.» (صفا، ۱۳۸۳: ۳۱۶)

جشن نوروز هفت بار در منظومه خسرو و شیرین نظامی ذکر شده است:

جمالش باد دایم عالم افروز شبش معراج باد و روز نوروز

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۱ / ۲۹)

از نظر نظامی، هیچ شبی به اندازه ی شب نوروز، خوشتر و بهتر نیست و هیچ شبی به اندازه شب نوروز، اندوه کش تر نیست:

یکی شب از شب نوروز خوشتر چه شب کز روز عید اندوه کش تر

(همان: ۱۰ / ۹۵)

او در بیت زیر در توصیفی زیبا، به وزیدن باد نوروزی در باغ میان میوه ها و درخت ها اشاره می کند:

ز بس نارنج و نار مجلس افروز شده در حقه بازی باد نوروز

(همان: ۹۸ / ۴)

شکفته چون گل نوروز و نو رنگ به نوروز این غزل در ساخت با چنگ

(همان: ۳۶۴ / ۳)

او به مخاطب خود توصیه می کند که قدر ایام نوروز رو بداند و در این ایام خوش بگذارند:
بهارى داری از وی بر خور امروز که هر فصلی نخواهد بود نوروز

(همان: ۳۷۵ / ۲)

از نظر نظامی، جشن برپا کردن یکی از رسوم و آیین های اصلی نوروز است:

چو در پرده کشیدی ناز نوروز به نوروزی نشستى دولت آن روز

(همان: ۱۹۳ / ۱)

بازتاب جشن نوروز در لیلی و مجنون نظامی

منظومه لیلی و مجنون، سومین منظومه از پنج گنج نظامی گنجوی است. نظامی آن را در سال ۵۸۴ هجری قمری سروده است و کتاب را به شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر تقدیم کرده است. او بعدها در آن تجدید نظرهایی کرده و این کار را در حدود سال ۵۸۸ به پایان برده است. «داستان عشق غم مجنون و لیلی از داستان های قدیم تازیان بوده است و در کتب قدیم ادبی به زبان عربی، چند بار به آن اشاره شده است. بنابراین نظامی در ابداع اصل این داستان هم مبتکر نبوده ولی خود هنگام نظم در آن تصرفات بسیار کرده است.» (صفا، ۱۳۸۳: ۳۱۶)

نظامی در منظومه لیلی و مجنون، دو بار از نوروز نام برده است:

خون کن کفتم که من شهیدم تا باشد رنگ روز عیدم

(نظامی، ۱۳۱۳: ۳ / ۲۵۲)

یکی از آیین های عید نوروز «بار عام» بوده است. «آیین بارخواهی یا دادخواهی در روزگاران گذشته و در دربار پادشاهان ایرانی جهت بررسی شکایات مردم برگزار می شده است.» (رضی، ۱۳۹۲: ۳۲۰)

نظامی در بین زیر به بار عام در جشن نوروز اشاره کرده است:

آن روز که روز بار باشد
نوروز بزرگوار باشد

(نظامی، ۱۳۱۳: ۷/۳۵)

بازتاب جشن نوروز در هفت پیکر نظامی

منظومه هفت پیکر، چهارمین منظومه از پنج گنج نظامی گنجوی است. او این کتاب را در سال ۵۹۳ هجری قمری سروده است و آن را به علاءالدین کرپ / ارسلان، پادشاه مراغه ساخته تقدیم کرده است. این مثنوی درباره ماجراهای زندگی بهرام گور (بهرام پنجم ساسانی ۴۲۰-۴۳۸ میلادی) از پادشاهان معروف دوره ساسانی است.

نظامی در هفت پیکر، شش بار از نوروز و آیین های مربوط به آن نام برده است:

بر سر تخت شد به پیروزی
بر جهان تازه کرد نوروزی

(نظامی، ۱۳۸۰: ۱۲۷/۵)

او در بیت زیر به آفتاب عالم افروز و دلچسب نوروز اشاره می کند:

آفتابی به عالم افروزی
خوب چون نوبهار نوروزی

(همان: ۱۸۳/۳)

در بیت زیر نیز به مخاطب خود توصیه می کند در ایام نوروز، لباس نو بپوشد:

کاین فسون را که جنی آموز است
جامه نو کن که فصل نوروز است

(همان: ۱۹/۱۱)

بقیه موارد: (همان: ۱/۳۱۶ و ۲)، (همان: ۳/۳۱۶)، (همان: ۶/۳۱۹)

بازتاب جشن نوروز در شرفنامه نظامی

منظومه اسکندرنامه، پنجمین مثنوی از پنج گنج نظامی گنجوی است. این کتاب شامل دو قسمت است. نظامی قسمت نخستین را «شرفنامه» و دومین قسمت را «اقبالنامه» نامیده است. «از

اشارات تاریخی مختلف که در این کتاب آمده معلوم می شود که شاعر آن را به چند تن از امرای و محلی آذربایجان و اطراف آن تقدیم کرده است.» (صفا، ۱۳۸۳: ۳۱۷)

در شرفنامه نظامی، جشن نوروز، چهار بار ذکر شده است. در ایران باستان، محل بزم هایی که به مناسبت جشن های آیینی برگزار می شده، آتشکده بوده است. جشن های نوروز، مهرگان و سده در آتشکده ها برگزار می شده است. در بیت زیر نظامی به بنیانگذاری جشن نوروز توسط جمشید، پادشاه اسطوره ای ایرانیان و آیین برگزاری این جشن در آتشکده اشاره می کند:

به نوروز و جمشید و جشن سده که نو گشتی آیین آتشکده

(نظامی، ۱۳۱۶: ۱۱/۳۳۹)

یکی از آیین های نوروزی در زمان قدیم، بزم های شاهانه بود. شاهان در زمان قدیم در روز نوروز، بزم های باشکوهی برگزار می کردند و به می گساری، خوشگذرانی و ساز و آواز مشغول می شدند. نظامی در ابیات زیر به این بزم های شاهانه اشاره کرده است:

به نوروز بنشست و می نوش کرد سرود سراینندگان گوش کرد

نبودی ز شه دور تا وقت خواب مغنی و ساقی و رود و شراب

(همان: ۵- ۴/۱۴۱)

بقیه موارد: (همان: ۵/۱۴۱)، (همان: ۳۰۰/۱-۳)

بازتاب جشن نوروز در اشعار مجیرالدین بیلقانی

ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی، در اوایل قرن ششم هجری قمری در شهر بیلقان از توابع شروان از مادری ارمنی دیده به جهان گشوده و اگرچه ادعا دارد مرد خودساخته ای بوده، اما تحت تعلیمات خاقانی تربیت یافته است. مجیر به دربار پادشاهان اتابکان آذربایجان راه داشته و آن ها را مدح می کرد. مجیر در سال ۵۸۶ در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. «اشعار مجیر که متأثر از فرخی و منوچهری است، بهترین معرف قدرت وی در علوم قرآن، حدیث، علوم عقلی، بلاغت و امثال و حکم و تمثیل «متداول در عهد اوست، که نشانه ی تسلط او بر همه علوم و فنون زمانه ی اوست.» (ململی، ۱۳۹۷: ۹)

مجیرالدین بیلقانی در دیوان اشعارش ۱۵ بار به عید نوروز اشاره کرده است:

بزرگوارا نوروز و عید می آیند به مهر وعد پس از وعده ی دوازده ماه

(بیلقانی، ۱۳۵۸: ۶/۱۷۴)

مجیر در بیت زیر فرا رسیدن نوروز را به شاه عدل گستر مژده می دهد:

نوروز جلالی اندر آمد ای عدل تو شاخ شر شکسته

(همان: ۵/۳۲۷)

او در بیت زیر جانش را به عنوان عیدی نثار ممدوحش کرده است:

جان به کفم تا کنم بر تو به عیدی نثار کاینه دیدن به عید خوش نشود رایگان

(همان: ۴/۱۶۷)

در زمان قدیم، شاعران در حضور شاهان و ممدوحانشان، در مراسمی عید را به آن ها تهنیت می گفتند. مجیر نیز در قصیده ی زیر قصد دارد عید نوروز را به ممدوحش شادباش بگوید:

بپذیر عذر کز قبل تهنیت به عید بگذارم آن قصیده غرا که بر من است

(همان: ۱۲/۲۹۳)

بقیه موارد: (همان: ۲/۳۴۵)، (همان: ۴/۱۸۷ و ۵)، (همان: ۹/۱۵۷)، (همان: ۱۰/۷۷)، (همان: ۱۳/۱۵۷)، (همان: ۸/۳۴۰)، (همان: ۷/۳۵۰)، (همان: ۱۰/۳۵۳)، (همان: ۷/۷۷)، (همان: ۸-۱۲/۲۹۸)

بازتاب جشن نوروز در اشعار خاقانی

افضل الدین بدیل بن علی خاقانی از شاعران بزرگ سبک آذربایجانی است. او در سال ۵۲۰ هجری قمری در شروان زاده شد و در سال ۵۹۵ در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. «سبک و زبان شعر خاقانی متفاوت از بسیاری شاعران دیگر است و آنچه در شیوه شاعری او به نام «طریق غریب» و «شیوه غریب» گفته می شود، بدین سبب است. آنچه در سبک شعر خاقانی بیشتر و بیشتر از هر چیز رخ می نماید، شیوه خاص بیان شعری اوست. این شیوه چنان که گفته شد، کمتر در بعد نحوی، و بیشتر در جنبه های صرفی و واژگان مطرح است.» (امامی، ۱۳۸۵: ۱۸)

خاقانی در اشعارش ۲۳ بار به عید نوروز و جشن های مربوط به آن اشاره کرده است.

بر کتف جهان ردای نوروز فر قزل ارسلان برافکند

(خاقانی، ۱۳۸۲، ۱۳۰۹/۱۳)

نوروز عذرائیست کش چون دولت شه روح فش حالش چو جنت است خوش، فالش چو قرآن باد هم

(همان: ۴۵۷/۱۱۳)

در قدیم شاعران پس از تبریک عید نوروز از او درخواست عیدی یا هدیه داشتند. در بیت زیر نیز **خاقانی** درخواست هدیه نوروزی از پادشاه دارد:

به حکم هدیه نوروزی آسمان هر سال تبرک از شرف آوردی آستانش را

(همان: ۸۱۵/۱۵)

بقیه موارد: (همان: ۴۶۵/۱۸)، (همان: ۱۷۷/۲۰)، (همان: ۲۲۵/۵ و ۶)، (همان: ۲۲۱/۱۱)، (همان: ۲۷۵/۱۷)، (همان: ۴۵۷/۱۴)، (همان: ۵۲۷/۱۱ و ۱۲)، (همان: ۸۱/۳)، (همان: ۴۹۶/۱۵)، (همان: ۱۱۶/۱۰)، (همان: ۴۳۳/۲۰)، (همان: ۸۲/۲ و ۳)، (همان: ۱۳۵/۱۹)، (همان: ۴۳۳/۱۳)، (همان: ۴۸/۱۵)، (همان: ۱۱۸/۱۶ و ۱۷)، (همان: ۲۲۱/۱۰)، (همان: ۴۲۷/۵)، (همان: ۲۲۴/۷)، (همان: ۱۲۹/۱۵ و ۱۶)، (همان: ۳۹۰/۵)، (همان: ۲۲۳/۲)، (همان: ۲۲۵/۱۲)، (همان: ۵۰۵/۶)

بازتاب جشن نوروز در اشعار فلکی شروانی

نجم‌الدین ابوالنظام محمد فلکی شروانی، از شاعران بزرگ اواخر قرن ششم است. مولدش شهر شماخی مستقر شروانشاهان بود، و فلکی از آن روی تخلص می‌کرد که در اوایل امر به تحصیل نجوم اشتغال داشت چنانکه تذکره نویسان نوشته‌اند در این فن ماهر بود. «وی از مداحان شروانشاهان و از میان آنان معاصر خاقان اکبر منوچهر بن فریدون و پسر اوخستان بود. فلکی فن ادب و شعر را مانند خاقانی از ابوالعلاء گنجوی آموخت و بنابراین آنان که او را استاد خاقانی می‌شمردند در اشتباهند.» (صفا، ۱۳۸۳: ۳۰۸)

فلکی شروانی در اشعارش ۱۶ بار به جشن نوروز اشاره کرده است. او در بیت زیر به رسم صله دادن شاه در جشن نوروز اشاره می‌کند و می‌گوید همچنان که نوروز با سخاوتمند، باغ را پر میوه می‌کند، شاه نیز سخاوتمندانه به من صله می‌دهد:

نوروز تحفه تحفه دهد زان پس به باغ چندان که صله صله به من شاه کامیاب

(فلکی شروانی، ۱۳۸۰: ۸۳/۴)

او در ابیات زیر نوروز را به شاه تبریک و تهنیت می گوید و برای او عمر طولانی و عزت و احترام آرزو می کند:

موسم نوروز تو یافت به آثار سور خاصیت پر غموم نزد خواص و عوام

باد همایون به تو، سال نو و روز نو عمر تو زان بر مزید، عز تو زین بر دوام

(همان: ۱۲/۱۲۱)

فلکی در ابیات زیر نوروز را به شاه تبریک می گوید و بدخواهان و حاسدان او را نفرین می کند:

خجسته بادت عید و رسیدن نوروز مباد زنده کسی کو ترا بود بدخواه

(همان: ۲۲/۱۴۱)

بقیه موارد: (همان: ۱۰/۹۷)، (همان: ۱۹/۱۳۱-۲۴)، (همان: ۷/۱۹۵)، (همان: ۲۱/۱۷۲)، (همان: ۴/۱۰۸)، (همان: ۴/۱۵۰ و ۸)، (همان: ۱/۱۹۱ و ۴)، (همان: ۳/۲۰۰ و ۶)، (همان: ۹/۸۷)، (همان: ۹/۹۷)، (همان: ۷/۱۶۶)

بازتاب جشن مهرگان در اشعار شاعران مکتب آذربایجان

مهرگان یا جشن مهر یکی از بزرگترین جشن های ایران است. مهرگان نیز همانند نوروز با مراسم خاص و آداب و رسوم ویژه برگزار می شود. «جشن هایی مانند مهرگان و تیرگان، به یک اعتبار جشن دینی به شمار می روند و به اعتباری دیگر جشن ملی. به ویژه اساطیر و داستان های هر یک اغلب آن ها را در مرزی میان مراسمی دینی و مذهبی متعلق به کیش زرتشتی و نیز آداب و رسومی ملی قرار می دهد. به مناسبت هایی از این قبیل است که نهادن مرزی قاطع میان این دو رده جشن اغلب امکان نمی پذیرد و نمی توان آنها را از هم جدا کرد.» (مزداپور، ۱۳۹۵: ۲۲۵)

جشن مهرگان به صورت محدود فقط در اشعار نظامی گنجوی، خاقانی و فلکی شروانی بازتاب داشته است و این جشن هیچ بازتابی در اشعار مجیرالدین بلیقانی نداشته است.

بازتاب جشن مهرگان در اشعار نظامی گنجوی

جشن مهرگان در اشعار نظامی بازتاب چندانی ندارد. در کل اشعار نظامی فقط دو بار به جشن مهرگان اشاره شده است، آن هم یک بار در منظومه خسرو و شیرین و یک بار هم در منظومه

شرفنامه. همچنین جشن مهرگان هیچ بازتابی در منظومه هفت پیکر و لیلی و مجنون و مخزن الاسرار نداشته است.

بازتاب جشن مهرگان در خسرو و شیرین نظامی

نظامی در منظومه خسرو و شیرین، یک بار به جشن مهرگان اشاره کرده است:

چو نو کردی نوای مهرگانی ببردی هوش خلق از مهربانی

(نظامی، ۱۳۸۴، ۳/۱۹۳)

بازتاب جشن مهرگان در شرفنامه نظامی

نظامی در منظومه شرفنامه نیز فقط یک بار به جشن مهرگان اشاره کرده است:

نواگر شدند آن پرچهرگان نو آیین بود مهر در مهرگان

(نظامی، ۱۳۱۶: ۵/۳۰۰)

بازتاب جشن مهرگان در اشعار خاقانی

خاقانی در اشعار خود سه بار به جشن مهرگان اشاره کرده است.

عید رسید و مهرگان باد و جنبیه بر اثر هر دو جنبیه هم عنان در گروه تکاوری

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۱/۴۲۹)

در بیت زیر خاقانی با تشبیه جشن نوروز به یک اسب سوار، آمدن آن را باعث آسیب و از بین رفتن مهرگان و پاییز می داند:

نوروز دو اسبه یک سواری است کاسیب به مهرگان برافکند

(همان: ۲/۵۰۹)

در بیت زیر نیز خاقانی با تشبیه خود به آسمان، نوید آمدن جشن مهرگان را می دهد:

من سپهرم کز بهار باغ شب گم کرده ام روز نو را بین ترنج مهرگان آورده ام

(همان: ۱۷/۲۵۸)

بازتاب جشن مهرگان در اشعار فلکی شروانی

فلکی شروانی نیز در اشعار خود سه بار به جشن مهرگان اشاره کرده است:

خیل خزان تا گرفت مملکت نوبهار مهر شه مهرگان در صف بستان رسید

(فلکی شروانی، ۱۳۸۰، ۳/۸۸)

در بیت زیر نیز فلکی به مصادف شدن عید فطر و عید مهرگان و پاییز اشاره می کند:
عید و خزان و مهرگان هر سه شدند هم قرآن گشت میان هر سه شان بندگی تو واصله

(همان: ۱۹/۱۴۵)

در بیت زیر فلکی شروانی با اشاره به آمدن پاییز و مهرگان، خبر از رفتن بهار می دهد:

خیل خزان به تاختن بر سپه بهار زد خسرو مهرگان علم بر کوهسار زد

(همان: ۷/۲۱۴)

بازتاب جشن سده در اشعار شاعران مکتب آذربایجانی

جشن سده، جشن گرامیداشت آتش است. در شاهنامه، بنیانگذاری جشن سده و کشف آتش به به هوشنگ شاه نسبت داده شده است:

یکی جشن کرد آن شب و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد

ز هوشنگ ماند این سده یادگار بسی باد چون او دگر شهریار

(فردوسی، ۱۳۷۵: ۳۴)

جشن سده در همه ی دوران های تاریخی و اسطوره ای ایران دارای حرمت و اهمیت ویژه ای بوده و در دوره ی ساسانیان که جشن های گوناگون در سراسر سال بر پا می شده، جشن سده باشکوه بیشتری برگزار می شده است.

در دوره ی اسلامی نیز شاهان و امیران ایرانی به ویژه سامانیان و زیاریان پس از آن که آیین ها و سنت های ایرانی را مورد توجه قرار دادند، آیین های جشن سده را باشکوه بسیار برگزار می کردند «جشن سده در طول قرن ها همچنان ادامه پیدا کرد. در جشن های سده، آتش بزرگی در بیرون خانه ها برپا می کردند و مردم بر گرد آن می خواندند و می رقصیدند و هر کس با آوردن چوپ برای آتش در آن شرکت می کرد و این نشان از جنگ با شیطان و پلیدی و سرمای زمستان داشت.» (هینلز، ۱۳۷۵: ۱۱۵)

جشن سده به صورت محدود و مختصر فقط در اشعار نظامی گنجوی و خاقانی بازتاب داشته است و این جشن هیچ بازتابی در اشعار مجیرالدین بیلقانی و فلکی شروانی نداشته است.

بازتاب جشن سده در اشعار نظامی گنجوی

در کل اشعار نظامی فقط یک بار آن هم در منظومه شرفنامه به جشن سده اشاره شده است: به نوروز جمشید و جشن سده که نو گشتی آیین آتشکده

(نظامی، ۱۳۱۶: ۱۱/۲۳۹)

بازتاب جشن سده در اشعار خاقانی

در اشعار خاقانی چهار بار به جشن سده اشاره شده است:

چو دیدمش که عید سده داشت چون مغان آتش ز لاله برگ و چلیپا ز عنبرش

(خاقانی، ۱۳۸۲، ۱۲/۲۲۴)

در ابیات زیر نیز خاقانی زلف صلیب وار و روی دلکش معشوق خود در شب جشن های سده اشاره می کند:

شب های سده زلف مغان فش داری در جام طرب باده دلکش داری
تو خود همه ساله سده ی خوش داری تا زلف چلیپا و رخ آتش داری

(همان: ۷۳۹: ۹ و ۱۰)

در بیت زیر نیز باز خاقانی به زلف صلیب وار معشوق در جشن سده اشاره می کند:

گیرم که آتش سده در جان ما زدی ز آن مشک ریز شاخ چلیپا چه خواستی

(همان: ۵۳۵/۱۰)

نکته جالب این چهار بیت این است که در تمام آن ها خاقانی به چلیپا یا صلیب در جشن های سده اشاره کرده است. این مسأله شاید به دلیل کاربرد چلیپا در جشن های سده در مناطق ارمنی نشین شروان باشد.

بازتاب جشن یلدا در اشعار شاعران مکتب آذربایجانی

واژه «یلدا» ریشه سریانی دارد و به معنای «ولادت» و «تولد» است. منظور از تولد، ولادت خورشید (مهر یا میترا) است. «میترا یکی از کهن ترین خدایان هندوآریایی است. در هند، با جفت خود «ورونه» دیده می شود و هر دو تجلی نور آسمانی اند. او عمدتاً پیوند دهنده ی افراد است و شاهد بینایی که پشتیبان ایمان و اعتماد راسخ میان انسان هاست» (ولانسی، ۱۳۸۷: ۱۸)

ایرانیان نزدیک به چند هزار سال است که شب یلدا، آخرین شب پاییز را که درازترین و تاریکترین شب در طول سال است تا سپیده دم بیدار می مانند و در کنار یکدیگر خود را سرگرم می دارند تا اندوه غیبت خورشید و تاریکی و سردی روحیه آنان را تضعیف نکند و با روشن شدن آسمان به رختخواب روند و می خوابند. بر همین اساس «شب یلدا را همیشه شب زایش خورشید می دانند.» (بهار، ۱۳۸۴، ۳۵۴)

جشن یلدا فقط در اشعار خاقانی و مجیرالدین بیلقانی بازتاب داشته است. این جشن هیچ بازتابی در اشعار نظامی گنجوی و فلکی شروانی نداشته است.

بازتاب جشن یلدا در اشعار مجیرالدین بیلقانی

جشن یلدا سه بار در اشعار مجیرالدین بیلقانی ذکر شده است.

شگفت نیست اگر داده ای عنان خرد
به روی روز خوش و طره ی شب یلدا

(بیلقانی، ۱۳۵۸: ۱۲/۲)

به جای مفرعه دادش عبود صبح جهان
به جای پرچم جنگ آسمان شب یلدا

(همان: ۴/۹)

به سعی مشعله داری که دست منت هاست
ز نور شعله ی او بر سر شب یلدا

(همان: ۱/۱۷)

بازتاب جشن یلدا در اشعار خاقانی

خاقانی در اشعار خود، شش بار به جشن یلدا اشاره کرده است.

کرم شب تاب را شب یلدا
در بن چه ضیا فرستادی

(خاقانی، ۱۳۸۳: ۲۴/۹)

آری که آفتاب مجرد به یک شعاع بیخ کواکب شب یلدا برافکند

(همان: ۱۱ / ۱۳۸)

بقیه موارد: (همان: ۹ / ۲۴)، (همان: ۱۰ / ۹۷)، (همان: ۵ / ۲۴۵)، (همان: ۱۸ / ۳۲۱).

نتیجه گیری

از میان جشن های باستانی ایرانیان، فقط چهار جشن باستانی نوروز، مهرگان، سده و یلدا، در اشعار شاعران مکتب آذربایجانی بازتاب پیدا کرده اند و جشن های باستانی دیگری مانند: جشن آبانگان، بهمنگان، اسفندگان، تیرگان و... هیچ بازتابی در اشعار این شاعران نداشته اند.

از میان این چهار جشن نیز جشن نوروز بیشترین بازتاب را در اشعار شاعران مکتب آذربایجان داشته است و جشن سده نیز کمترین بازتاب را در میان اشعار آن ها داشته است. روی هم رفته جشن نوروز ۷۱ بار در اشعار این شاعران تکرار شده است و فقط پنج بار به جشن سده اشاره شده است. دلیل این مساله هم اهمیت بسیار زیاد جشن نوروز به عنوان مهم ترین جشن ملی در میان ایرانیان است.

از میان چهار شاعر مورد بررسی نیز، جشن نوروز بیشترین بازتاب را در اشعار خاقانی و کمترین بازتاب را در اشعار مجیر داشته است. در اشعار خاقانی، ۲۳ بار به جشن نوروز اشاره شده است. جشن نوروز بازتاب فراوانی در اشعار نظامی گنجوی نیز داشته است. نظامی در چهار منظومه ی خسرو و شیرین، شرفنامه، لیلی و مجنون و هفت پیکر به طور مستمر از جشن نوروز و آیین های مربوط به آن نام برده است. روی هم رفته به جشن نوروز در چهار منظومه ذکر شده نظامی، ۲۰ بار اشاره شده است.

پس از جشن نوروز، جشن یلدا بیشترین بازتاب را در اشعار شاعران مکتب آذربایجانی داشته است. این جشن، نه بار در اشعار این شاعران تکرار شده است. در اشعار خاقانی، شش بار و در اشعار، مجیرالدین بلیقانی نیز سه بار به جشن یلدا اشاره شده است. جشن مهرگان نیز کلا هشت بار در اشعار این شاعران، مورد اشاره قرار گرفته شده است که در این میان خاقانی و فلکی سه بار و نظامی نیز دو بار به این جشن اشاره کرده اند.

به نظر می رسد دلیل توجه بیشتر این شاعران به جشن یلدا نسبت به جشن مهرگان این باشد که در آن دوران جشن مهرگان، رونق چندانی نداشته و جشن یلدا از رونق و اهمیت بیشتری برخوردار بوده است؛ همچنان که امروز نیز جشن مهرگان تقریباً فراموش شده و برگزار نمی شود ولی جشن یلدا همچنان رواج و اهمیت دارد و همچنان برگزار می شود.

روی هم رفته از بین این چهار شاعر، نظامی و خاقانی توجه بیشتری به جشن ها و آیین های ایرانی داشته اند و این جشن ها بازتاب بیشتری - نسبت به مجیر و فلکی - در اشعار آن ها داشته اند؛ این مساله احتمالاً به دلیل ایران دوستی و وطن دوستی این دو شاعر و توجه آن ها به حفظ میراث باستانی ایرانیان بوده است.

منابع

- آموزگار، ژاله. ۱۳۹۶ش، از گذشته های ایران، چاپ اول، تهران: معین.
- امامی، نصرالله. ۱۳۸۵ش، *ارمغان صبح: برگزیده قصاید خاقانی شروانی*، چاپ سوم، تهران: جامی.
- اولانسی، دیوید. ۱۳۸۷ش، *پژوهشی نو در میترا پرستی*، چاپ دوم، ترجمه مریم امینی، تهران: چشمه.
- بری، مایکل. ۱۳۸۵ش، *تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی*، ترجمه جلال علوی نیا، چاپ اول، تهران: نی.
- بلوکباشی، علی. ۱۳۸۹ش، *نوروز؛ جشن نوزایی آفرینش*، چاپ هفتم، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- بهار، مهرداد. ۱۳۸۴ش، *از اسطوره تا تاریخ*، چاپ چهارم، تهران: چشمه.
- بیلقانی، مجیرالدین. ۱۳۵۸ش، *دیوان مجیرالدین بیلقانی*، تصحیح محمد آبادی، چاپ اول، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- خاقانی، بدیل بن علی. ۱۳۸۲ش، *دیوان خاقانی*، تصحیح ضیالالدین سجادی، چاپ سوم، تهران: زوار.
- شریفی، آزاده. ۱۳۹۷ش، *سبک شناسی کاربردی*، چاپ اول، تهران: فاطمی.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۲ش، *سبک شناسی شعر*، چاپ نهم، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۸۳ش، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۱، چاپ بیست و سوم، تهران: ققنوس.
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۷۵ش، *شاهنامه*، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، تهران: قطره.
- فلکی شروانی، محمد. ۱۳۸۰ش، *دیوان فلکی شروانی*، تصحیح فیروز رفاهی علمداری، چاپ دوم، تهران: فیروزان.
- کرتیس، وستا سرخوش. ۱۳۹۲ش، *اسطوره های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، چاپ نهم، تهران: مرکز.
- مزدپور، کتابون. ۱۳۹۵ش، *ادیان و مذاهب در ایران باستان*، چاپ دوم، تهران: سمت.
- نظامی گنجوی، جمال الدین. ۱۳۱۳ش، *لیلی و مجنون*، تصحیح وحید دستگردی، چاپ اول، تهران: ارمغان.
- نظامی گنجوی، جمال الدین. ۱۳۱۶ش، *شرفنامه*، تصحیح وحید دستگردی، چاپ اول، تهران: ارمغان.
- نظامی گنجوی، جمال الدین. ۱۳۸۰ش، *هفت پیکر*، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان. چاپ سوم، تهران: قطره.
- نظامی گنجوی، جمال الدین. ۱۳۸۴ش، *خسرو و شیرین*، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان. چاپ سوم، تهران: قطره.
- هینلز، جان. ۱۳۷۵ش، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ سوم، تهران: چشمه.

مقالات

- احمد پور، مهدیه صراطی، ژیلا. ۱۳۹۷ش، «آیین جشن و سرور در اسکندر نامه نظامی»، فصلنامه بهارستان سخن، سال پانزدهم، بهار، شماره ۳۹، صص ۱ - ۲۰.

بهار، فرزانه. ۱۳۹۸ش، «اهمیت اسطوره کشف آتش و جشن سده در شاهنامه»، فصلنامه پاژ، شماره ۳۶، زمستان، صص ۲۷-۴۰.

رحیمی ششده، غلامرضا؛ فرهمند، سجاد. ۱۳۹۹ش، «بررسی تطبیقی جشن مهرگان با جشن ترکی بیریبری گرلک»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان، صص ۲۵۵-۲۶۷.

صفاری، محمد معین. ۱۳۹۵ش، «تجلی اعیاد اسلامی و جشن های ایرانی در غزلیات حافظ شیرازی»، فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، زمستان، دور دوم، شماره ۱/۴، صص ۵۵-۶۳.

مطلبی، آرش. ۱۳۹۳ش، «برخی مختصات مشترک فکری در شعر شاعران سبک آذربایجانی»، فصلنامه بهار ادب، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، شماره پیاپی ۲۵، صص ۲۳۵-۲۵۴.

ململی، امیدوار. ۱۳۹۷ش، «مختصری از تمثیلات دیوان مجیر الدین بیلقانی»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره ۳۵، بهار، صص ۸-۳۵.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: کمالوند لیلی، جوکار منوچهر، آبشیرینی اسد، بازتاب جشن های ایرانی در شعر شاعران مکتب آذربایجانی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۳۴۰-۳۲۱.